

کودکان کارگر خیابانی و سیاستهای اجتماعی بایسته

دکتر مصطفی اقلیما*

حسین حاج بابایی**

دکتر غنچه راهب***

شیما پرن فر****

چکیده:

هدف: این پژوهش برای شناخت سیاستهای اجتماعی سودمند در پیوند با کودکان کارگر خیابانی انجام شده است.

روش: این پژوهش از گونه بررسیهای کیفی است و بر پایه روش نمونه گیری گلوله برفی و ۱۳ گفتگوی ژرف اندیشانه با کارشناسان، مسئولان و سیاستگذارانی که تجربه کار کردن از نزدیک با این کودکان را داشته اند انجام پذیرفته و یافته‌ها در سه مرحله کدبندی، خوشه‌بندی و تفسیر، بررسی شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش گویای آن است که برای پیشگیری از این پدیده نیازمند اجرای درست سیاستهای کلان در جامعه و گسترش فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محله‌های فقیرنشین بویژه در پیرامون شهرهای بزرگ هستیم؛ همچنین، پشتیبانی از این کودکان نیازمند پذیرش آنان بعنوان يك واقعیت در جامعه، شناخت درست کودکان و مسائل و نیازهایشان و نیز پیش‌بینی خدمات حمایتی سازگار با شرایط و ویژگیهای کودکان کارگر خیابانی است. برای توانمندسازی این کودکان باید به آموزش آنان و پدید آوردن فرصتهای کاری مناسب برای ایشان (کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال) و مشارکت دادن این کودکان در برنامه‌های مربوط به خودشان پرداخت.

نتیجه: با توجه به یافته‌ها، به نظر می‌رسد که بتوان با بررسی و دستیابی به شناختی دقیق و درست از این پدیده و در پر تو همکاری‌های میان‌بخشی و برنامه‌ریزی سازگار با چیرستی پدیده کودکان کارگر خیابانی، این ناهنجاری اجتماعی را از میان برداشت.

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

** عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

**** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

از مشکلات بزرگ به‌شمار می‌آید. در پاره‌ای از کشورها این مسئله با برنامه‌ریزی‌ها و به کاهش نهاده و وضع بهبود یافته است، ولی در ایران با وجود اقداماتی که از سوی سازمانهای دولتی انجام گرفته، این مسئله همچنان باقی است و حتی گسترش نیز یافته است. بررسی چگونگی پرداختن دستگاههای دولتی به مسئله کودکان خیابانی، نشان دهنده رویکردی نرمش‌ناپذیر است که بیشتر بر پایه سیاست «حذف» طراحی شده است؛^۷ شیوه‌ای که به گونه ضربتی و مقطعی و ناپایدار به اجرا در آمده و به پیچیده‌تر شدن مسأله انجامیده است.^۸ با توجه به ادامه حضور کودکان در خیابانها و شرایط ویژه آنان و مسائل و آسیبهای برآمده از کار در خیابان و همچنین کارساز نبودن سیاستهای اجتماعی کنونی، این پژوهش انجام گرفته است.

روش بررسی:

این پژوهش از گونه بررسیهای کیفی بوده و باروش پدیدارشناسی انجام شده است. نمونه و روش نمونه‌گیری: از میان کارشناسان، مسئولان و سیاست‌گذارانی که از نزدیک با کودکان کارگر خیابانی (دستکم برای ۲ سال) سروکار داشتند ۱۳ همکار پژوهشی به روش نمونه‌گیری گلوله برفی برگزیده شدند و پژوهش تا آنجایی گرفته شد که

○ کودکان بخشی از لایه‌های آسیب‌پذیرند که بی‌توجهی به آنان می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر برای جامعه داشته باشد؛ و در این میان، کودکان کارگر خیابانی که زیر فشارها و در سایه سختی‌های زندگی به کار در خیابانها و آورده‌اند و فرایند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی‌شان و همچنین تکامل شخصیت و جریان اجتماعی شدن بهنجار آنان به خطر افتاده است، نیازمند توجه ویژه‌اند.

پیشگفتار:

سیاست اجتماعی، ناظر به خدمات اجتماعی و رفاهی دولت است و در عمل به کارهایی گفته می‌شود که به بهبود روش زندگی انسانها می‌انجامد.^۱ هدف سیاست اجتماعی، پشتیبانی از ناتوان‌ترین اعضای جامعه است.^۲ سیاست اجتماعی پیوندی نزدیک با چگونگی مشکلات اجتماعی، روش حل این مشکلات و بررسی موقفیت یا شکست برنامه‌هایی دارد که برای بهسازی جامعه اجرا می‌شود.^۳ به گونه فشرده می‌توان گفت که سیاستهای اجتماعی، تدابیر، برنامه‌ها و تصمیم‌هایی است که دولت برای پشتیبانی از شهروندان، بویژه لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه در نظر می‌گیرد. کودکان بخشی از لایه‌های آسیب‌پذیرند که بی‌توجهی به آنان می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر برای جامعه داشته باشد؛ و در این میان، کودکان کارگر خیابانی که زیر فشارها و در سایه سختی‌های زندگی به کار در خیابانها و آورده‌اند و فرایند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی‌شان و همچنین تکامل شخصیت و جریان اجتماعی شدن بهنجار آنان به خطر افتاده است، نیازمند توجه ویژه‌اند.

این کودکان برای نخستین بار در ۷۳-۱۳۷۲ در خیابانهای تهران و برخی دیگر از شهرهای بزرگ کشور دیده شدند؛ کودکانی در رده‌های سنی گوناگون که بیشتر در پارکها و چهارراههای شلوغ و پررفت‌و‌آمد به دستفروشی یا کارهای خدماتی پیش پا افتاده می‌پردازند.^۴ آنان ساعتهای بسیار در طول روز در پی برآوردن نیازهای پایه‌ای خود و خانواده‌شان در خیابانها پرسه می‌زنند. این کودکان یا برای یاری‌رسانی به خانواده کار می‌کنند یا تنها نان آور خانواده‌اند که اگر کار نکنند خانواده‌شان دچار مشکلات سنگین می‌شود.^۵ آمار درستی از این کودکان در دست نیست؛ آمارهای رسمی نیز بسیار متفاوت است؛ ولی با وجود متفاوت بودن برآوردها، واقعیت انکارناشدنی آن است که روزانه صدها کودک بی‌پشتیبانی بزرگسالان و نهادهای مسئول، در خیابانها کار می‌کنند و با آسیبهای گوناگون جسمی و روحی بر اثر احتمال تصادف، آلودگیهای محیطی، بدرفتاری، سوءاستفاده جنسی و... روبه‌رویند.

کار کردن کودکان در خیابانها پدیده تازه‌ای نیست و در بسیاری کشورها، بویژه کشورهای رو به توسعه، یکی

گروه از کودکان، در چارچوب ویژگی‌های فردی و خانوادگی آنان، مهمترین نیازهایشان، میزان بهره‌مندی کودکان کارگر خیابانی از حقوق خود و شرایط و ویژگی‌های کار در خیابان پرداخته‌اند که برجسته‌ترین نکات در این زمینه در زیر می‌آید:

جنس: کودکان کارگر خیابانی از هر دو جنس هستند، بیشتر آنان پسرند و شمار دخترها اندک است.
سن: این کودکان را می‌توان به دو گروه سنی زیر ۱۵ سال (۳ تا ۱۵) و بالای ۱۵ سال (۱۵ تا ۱۸) بخش‌بندی کرد.

از دید ملیت و وابستگی قومی می‌توان از گروه‌های گوناگون ایرانی، افغان و غربتی (کولی) در میان کودکان کارگر خیابانی یاد کرد.

از دید سواد، این کودکان را می‌توان به گروه‌های بیسواد، دست از تحصیل کشیده و سرگرم تحصیل بخش‌بندی کرد.

سرپرستی: بیشتر کودکان کارگر خیابانی خانواده دارند، اما در خانواده‌های آنان مسائلی همچون اعتیاد پدر یا مادر یا هر دو، طلاق، بیکاری، از کارافتادگی و... وجود دارد.

پیوند با خانواده: بیشتر این کودکان با خانواده‌هایشان ارتباط پیوسته دارند و شبها به خانه برمی‌گردند.

بهداشت و خوراک: کودکان کارگر خیابانی در وضعی ناخوشایند به سر می‌برند.

برسره‌م درباره کودکان کارگر خیابانی باید گفت که آنان از کمترین حقوق يك کودک یعنی حق بازی، آموزش، داشتن سرپناه، خوراک، فضایی امن برای زندگی و دسترسی به خدمات بهداشتی محرومند. مهمترین نیازهای این کودکان را می‌توان نیازهای مادی، نیاز به احساس امنیت، نیاز به مهر و محبت دانست.

برپایه یافته‌های پژوهش، درباره ویژگی‌های کار کودکان در خیابان می‌توان گفت که کار در خیابان در شمار کارهای غیراقتصادی و کاذب است، یعنی فعالیتی که رسمیت ندارد و برای کودکان نمی‌توان آینده‌ای شغلی در این زمینه ترسیم کرد. کار در خیابان، با آنکه نیازمند مهارت و صرف انرژی و تمرکز فکری نیست، درآمد خوبی دارد. کودکان کارگر خیابانی ساعت کار مشخصی ندارند و حوزه کارشان گسترده

○ کار کردن کودکان در خیابانها پدیده

تازه‌ای نیست و در بسیاری کشورها، بویژه کشورهای رو به توسعه، یکی از مشکلات بزرگ به‌شمار می‌آید. در پاره‌ای از کشورها این مسئله با برنام‌ریزها رو به کاهش نهاده و وضع بهبود یافته است، ولی در ایران با وجود اقداماتی که از سوی سازمانهای دولتی انجام گرفته، این مسئله همچنان باقی است و حتی گسترش نیز یافته است.

پژوهشگر، یافته‌ها را پسندیده یافت.

روش گردآوری داده‌ها: اطلاعات از راه گفتگو با کارشناسان، مسئولان و سیاست‌گذاران گردآوری شد. هدف اصلی گفتگوها، شناخت پژوهشگران از کودکان کارگر خیابانی و سیاستهای اجتماعی مناسب در پیوند با این کودکان در سه زمینه پیشگیری از پیدایی و افزایش، پشتیبانی و توانمندسازی آنان بود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: نخست متن گفتگوها با همه جزئیات نوشته شده و سپس تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام گرفته است: نخست، پژوهشگر با بازخوانی بیپای یادداشتها و گوش دادن دوباره به نوار گفتگوها به بازشناخت مقوله‌های موجود در داده‌ها و کدگذاری آنها پرداخته، سپس با خواندن و بازخوانی کدهای به دست آمده به رده‌بندی و خوشه‌بندی داده‌ها (کدهای همسان) دست زده، و سرانجام به توصیف داده‌ها پرداخته و تفسیر خود را در این زمینه که داده‌ها گویای چیست به دست داده است.

یافته‌های پژوهش: همکاران پژوهشگر، برپایه یافته‌ها، این گروه از کودکان را کارگری می‌دانند که ناگزیرند برای کسب درآمد و کمک به خانواده یا حتی برای تأمین هزینه زندگی پدر و مادر خود ساعتهایی را به کار در خیابان بپردازند که این کار می‌تواند داوطلبانه یا اجباری، و به گونه فردی یا در پوشش دسته و گروه باشد. همکاران پژوهش به ذکر ویژگی‌های گوناگون این

جلوگیری کرد. پژوهشگران برای توانمندسازی خانواده‌ها، بر آموزش شیوه‌های فرزندپروری به پدران و مادران، آگاه کردن آنان از حقوق کودک، آموزش شیوه‌های حل مسئله به آنان و یادآوری لزوم مهارت‌آموزی به کودکان و فراهم آوردن کار برای ایشان انگشت می‌گذارند. با پررنگ کردن نقش نظام آموزش و پرورش و مدرسه بعنوان نهاد آموزشی و تربیتی، از راههایی چون کاربردی کردن درسهای آموزشی یا قرار دادن آموزشهای فنی و حرفه‌ای در کنار مواد درسی، فراهم آوردن زمینه آموزش رایگان و در دسترس خانواده‌های نیازمند و برپا کردن بخش مددکاری و مشاوره در مدارس، می‌توان این دسته از کودکان را به مدارس کشاند و از کار کردن آنان جلوگیری کرد.

اصلاح قوانین؛ با اصلاح قوانین و در نظر گرفتن ضمانتهای اجرایی لازم برای برخی از قوانین کنونی می‌توان از کار کودکان جلوگیری کرد.

پیگیری و اجرای درست سیاستهای کلان در جامعه؛ برای نمونه در زمینه فقرزدایی، فراهم ساختن فرصتهای برابر کاری برای همگان و تلاش برای کاهش بیکاری، گسترش دادن دامنه خدمات اجتماعی و حمایتی مناسب و در نظر گرفتن بیمه و تأمین اجتماعی فراگیر برای همه گروههای کم درآمد و آسیب پذیر جامعه، اجرای گسترده و دقیق برنامه‌های آموزش برای همگان، اجرای برنامه‌های فرهنگی و توسعه اجتماعی در روستاها و مناطق محروم و دورافتاده و توجه به اقتصاد بومی و محلی به گونه‌ای که زمینه‌ساز کاهش کوچ به کلانشهرها شود و اجرای برنامه‌های فرهنگی و توسعه

است؛ همچنین نظم و مقرراتی برای کار در خیابان وجود ندارد. فضای کاری این کودکان ناامن است و آنان پذیرای آسیبهای جسمی و روانی گوناگونند. احتمال خطر تصادف برای این کودکان وجود دارد و گذشته از آن، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و آلودگی‌های محیطی آنان را به بیماریهای گوناگون دچار می‌سازد. همچنین ممکن است برای کودک درگیریهایی بر سر جای کار، پول یا... پیش آید یا حتی کودک با بدرفتاریها و خشونت و تهدید و توهین مأموران دولتی (شهرداری، نیروی انتظامی و بهزیستی)، کسبه و اهالی محلی که در آنجا کار می‌کنند روبه‌رو شود. این کودکان در خیابان تحقیر می‌شوند، ناسزا می‌شنوند، کتک می‌خورند، به آنان پیشنهادهای ناخوشایند می‌شود و خطر آزار جنسی بویژه برای کودکان کوچکتر (دختر یا پسر) وجود دارد؛ همچنین، گاهی کودکان کوچکتر از سوی کودکان بزرگتر آسیب می‌بینند، یعنی آنان که آسیب دیده‌ترند به کوچکترها آسیب می‌رسانند.

حال برپایه این شناخت، به سیاستهای اجتماعی مناسب برای پیشگیری از کار کردن کودکان در خیابان، و پشتیبانی و توانمندسازی آنان می‌پردازیم.

یافته‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری کامل از این پدیده، در سایه شرایط کنونی، ناممکن است؛ ولی با اقداماتی می‌توان این پدیده را تا اندازه‌ای مهار کرد و شمار این کودکان را در خیابانها کاهش داد. برپایه یافته‌ها، این اقدامات در برگیرنده موارد زیر است:

- شناسایی بن‌مایه‌های این پدیده؛ یعنی پیش از هر کار باید به شناسایی عواملی پرداخت که باعث می‌شود کودکان زیر عنوان کودکان کارگر به خیابانها بیایند.

- شناسایی خانواده‌های کم درآمد و محله‌های فقیرنشین؛ برای شناسایی خانواده‌های کم درآمد و خانواده‌هایی که ممکن است در آینده کودکان کارگری در خیابان داشته باشند، راهکارهایی همچون شناسایی این خانواده‌ها از راه نهادهایی مانند بهزیستی یا کمیته امداد و مدارس، شناسایی این خانواده‌ها در محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌های شهرهای بزرگ و شناسایی این خانواده‌ها با راهنمایی خود کودکان خیابانی، پیشنهاد می‌شود.

- توانمندسازی خانواده‌ها؛ با توانمندسازی خانواده‌ها می‌توان از کار کردن کودکان در خیابان

○ بررسی چگونگی پرداختن دستگاههای دولتی به مسئله کودکان خیابانی، نشان دهنده رویکردی نرمش‌ناپذیر است که بیشتر بر پایه سیاست «حذف» طراحی شده است؛ شیوه‌ای که به گونه ضربتی و مقطعی و ناپایدار به اجرا درآمده و به پیچیده‌تر شدن مسئله انجامیده است.

پشتیبانی واقعی از این کودکان باید خدمات آموزشی و بهداشتی و درمانی مورد نیاز آنان را به جاهایی برد که حضور دارند و بخشی دیگر را در محل کارشان برای آنان فراهم کرد. گفتنی است که در زمینه کمک‌رسانی به گونه‌ی سیار، آموزش نیروها (مربی‌ان یا مددکاران خیابانی) یک ضرورت به‌شمار می‌آید.

بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش، کارهایی که برای ساماندهی و بهسازی شرایط کار در خیابان می‌توان انجام داد به شرح زیر است:

● برپا کردن جایگاه‌هایی ویژه مانند دکه‌هایی کوچک در کنار چهار راهها، میدانها یا در پارکها که کودک به‌جای اینکه در لابه‌لای ماشینها یا در خیابانها به کار بپردازد بتواند در یک جایی ثابت کار کند. بدین‌سان هم خطر تصادف کاهش می‌یابد و هم احساس امنیت در کودک بیشتر می‌شود.

● در نظر گرفتن پوششهای یکسان برای همه‌ی کودکان کارگر خیابانی که نشان دهد آنان با نظارت یک نهاد در خیابانها کار می‌کنند.

● آموزش روشهای فروشندگی، آداب معاشرت و چگونگی برخورد با مردمان. به سخن دیگر، به کودکان آموخته شود که برای عرضه کردن کالاها و خدمات خود چگونه با دیگران رفتار کنند و به تبلیغ کالاها و کار خود بپردازند. با این آموزش، نه تنها خودباوری و عزت نفس کودکان افزایش می‌یابد و در نتیجه کمتر طرد می‌شوند و مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند، بلکه می‌توانند زودتر و بیشتر کالاها را بفروشند، کمتر در خیابان باشند و کمتر آسیب ببینند.

● کالاها را مناسب برای فروش در اختیار کودکان گذاشته شود؛ یعنی کالاها را به گونه‌ی مناسب و نیاز شهر و ندان باشد و هم کودکان بتوانند از فروش آنها سود بیشتری به‌دست آورند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که برای افزایش امنیت این کودکان در خیابان می‌توان به کارهای زیر پرداخت:

● برپا کردن مکانهایی در سطح شهر که کودکان کارگر خیابانی به‌هنگام احساس خطر و نیاز (برای نمونه، هرگاه آزار دیده‌اند یا کسی در پی‌شان است یا کسی کالاها و پولشان را گرفته است) بتوانند به آنجا مراجعه کنند و کمک بگیرند.

● آموزش مأموران و گروههای گشت نیروی

انسانی فراگیر با هدف توانمندسازی زنان و دختران و فراهم کردن زمینه‌های حضور هر چه بیشتر آنان در عرصه‌های اجتماعی و... کارساز خواهد بود.

یافته‌های این پژوهش در پیوند با سیاستهای اجتماعی مناسب برای پشتیبانی از کودکان کارگر خیابانی به ۷ مقوله‌ی کلی اشاره دارد:

۱- پذیرش پدیده‌ی کودکان کارگر خیابانی بعنوان یک واقعیت در جامعه؛ یعنی نخست باید دریافت و پذیرفت که کودکان کارگر خیابانی وجود دارند، نیازمندند و اکنون چاره‌ای جز کار کردن در خیابان ندارند.

۲- شناسایی و آمارگیری دقیق از کودکان کارگر خیابانی؛ ارزیابی وضع کودکان کارگر خیابانی و به‌دست آوردن آمارهای دقیق درباره‌ی آنان، لازمه‌ی سیاستگذاری و برنامه‌ریزیهای مناسب برای این گروه است.

۳- توانمندسازی خانواده‌های این کودکان؛ برای پشتیبانی از این کودکان نخست باید خانواده را توانمند کرد تا در صورت امکان خانواده کارکردهای اصلی خود را به‌دست آورد، از مهمترین کارها در این زمینه، می‌توان به آموزش و آگاهسازی پدر و مادر، مهارت‌آموزی و کاربایی و پشتیبانی مالی از خانواده‌های کودکان کارگر خیابانی یاد کرد؛ اما این پشتیبانی نباید به گونه‌ای باشد که انگیزه‌ای برای دیگر خانواده‌ها فراهم آید تا فرزندانشان را به خیابان بفرستند.

۴- جذب کودکان کارگر خیابانی؛ کمک‌رسانی مناسب به این دسته از کودکان، در گرو به‌دست آوردن اعتماد آنان و برقراری گونه‌ای پیوند حرفه‌ای و عاطفی با ایشان است.

۵- کمک‌رسانی به کودکان کارگر خیابانی در پنج زمینه‌ی امنیتی، آموزشی، بهداشت و تندرستی فردی، کار و خوراک؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که خدمات مناسب برای این کودکان خدماتی است که در دسترس، به‌هنگام، تخصصی و علمی، رایگان یا با کمترین هزینه باشد. این کمکها می‌تواند هم در محل کار کودکان صورت پذیرد (منظور نقاطی در سطح شهر است که محل آمدوشد و گردآمدن کودکان است، مانند برخی چهارراهها، میدانها و پارکها) یا در محل زندگی آنان (مانند پیرامون شهرها)؛ همچنین این کمکها می‌تواند به دو گونه‌ی ثابت و سیار باشد. ضرورت کمکهای سیار از آنرو است که برای

○ در کشور قانونی درباره کار کودکان در خیابان وجود ندارد، ولی در زمینه حقوق کودک قوانینی داریم که باید به درستی اجرا شود. پیشنهاد می شود که قانونی ویژه کودکان کارگر خیابانی تدوین شود، به گونه ای که بتواند ضمانت اجرایی مؤثری برای اقدام اجتماعی فراهم آورد، یا دست کم قوانین موجود به سود کودکان اصلاح و پشتوانه های اجرایی لازم برای آنها در نظر گرفته شود.

آموزش نکات بهداشتی به کودکان است مانند شستشوی دهان و دندان، یاراهای پیشگیری از برخی بیماریها. در همین زمینه، می توان رضایت صاحبان گرمابه های عمومی نزدیک محل کار یا زندگی این کودکان را به دست آورد یا حتی با آنان قرارداد بست که این کودکان بتوانند به آن گرمابه ها بروند. از دیگر موارد می توان به واکسیناسیون این کودکان و فراهم آوردن پرونده بهداشتی برای هر یک از آنان و برنامه ریزی برای معاینات لازم پزشکی یاد کرد.

یافته ها نشان می دهد که کودکان کارگر خیابانی و خانواده هایشان در زمینه خوراک مناسب و آثار آن بر تندرستی کودک نیاز به آموزش دارند و باید تدایمی اندیشیده شود که این کودکان بتوانند در طول روز یک وعده خوراک گرم، یا میان وعده هایی مانند شیر و میوه بخورند.

در زمینه سیاست های اجتماعی مناسب برای پشتیبانی از کودکان کارگر خیابانی، باید بر لزوم معرفی درست این گروه به جامعه انگشت گذاشت که این کار از چند راه امکان پذیر است: چاپ مقاله و گزارش در روزنامه ها و مجلات، تهیه گزارش های رادیویی و تلویزیونی، ساخت فیلمها و سریالهای تلویزیونی درباره «کودکان کارگر خیابانی»، فراهم آوردن بروشورهایی با موضوع کودکان کارگر خیابانی، سخنرانی در مساجد، انجمنهای صنفی

انتظامی، شهرداری و سازمان بهزیستی برای برخورد درست با کودکان کارگر خیابانی.

● کمک گرفتن از مأموران راهنمایی و رانندگی و آموزش دادن آنان در زمینه تأمین امنیت این کودکان، به هنگامی که در خیابانها کار می کنند.

● برگردن همیار پلیس از میان خود کودکان کارگر خیابانی؛ بدین گونه که کودکان بزرگتر و دارای صلاحیت را آموزش دهیم که از دیگر کودکان پشتیبانی کنند.

● پیش بینی دکه هایی برای کار کودکان و همچنین پوششهایی همسان برای آنان که به گونه ای تعریف کننده چارچوبی برای کار کودک در خیابان باشد، می تواند احساس امنیت در کودکان را افزایش دهد.

● آگاه سازی شهروندان و شناساندن درست این گروه از کودکان به جامعه.



بر پایه یافته های پژوهش، بهترین راه آموزش کودکان کارگر خیابانی، آموزش آنان در محل کارشان و در ساعت هایی از روز است که کارشان سبکتر است. به سخن دیگر، آموزش این کودکان نباید محدود به زمان و مکان شود و آنان باید بتوانند در کنار کار، آموزش هم ببینند.

یافته ها نشان می دهد که برنامه آموزشی این کودکان می تواند دربرگیرنده آموزش مهارت های زندگی و مهارت های رویارویی با مشکلات و حل مسائل، آموزشها در زمینه بهداشت و خوراک و درباره برخی بیماریها چون هپاتیت و ایدز باشد. پیشنهادهایی نیز در زمینه سوادآموزی این کودکان مطرح شده است مانند کوتاه و نرمش پذیر کردن مباحث درسی یا حتی پدید آوردن یک روش سوادآموزی مناسب برای کودکان کارگر خیابانی. همچنین برای سوادآموزی، می توان کلاس هایی در برخی مدارس برپا کرد و کودکان کارگر خیابانی را بی هرگونه محدودیت از نظر سن، ملیت و داشتن شناسنامه و... در آنها پذیرفت. آموزش و پرورش هم می تواند آموزگاران را برای آموزش این کودکان در نظر بگیرد و سرانجام این امکان را فراهم کند که این کودکان، بیرون از چارچوب رسمی، امتحان دهند و مدرک بگیرند.

همچنین، یافته ها در زمینه خدمات حمایتی بهداشتی، گویای آن است که یکی از مهمترین برنامه ها،

بهره گرفته شود. همچنین بر ایجاد کارگاههای آموزشی ویژه این کودکان با هدف مهارت آموزی به آنان و آماده کردنشان برای کار. این کارگاهها می تواند با همکاری سازمانهایی مانند شهرداری، بهزیستی، وزارت کار و دیگر سازمانهای ذیربط، در رشته های گوناگون همخوان با شرایط جسمی و روحی کودکان و همچنین رشته هایی که در بازار کار خواهان دارد، راه اندازی شود تا کودکان پس از پایان دوره آموزشی بیکار نمانند و در آینده نیز بتوانند با مهارتی که آموخته اند زندگی کنند و در واقع به کاری ماهر تبدیل شوند. گزینش رشته و واگذاری کار به کودکان باید بر پایه علاقه و سلیقه و توانمندی های جسمی و ذهنی آنان انجام پذیرد.

کودکان در این کارگاهها باید در چارچوب شرایطی ویژه به کار پردازند:

● کودک همراه با کارآموزی، دستمزد هم دریافت کند. این دستمزد نباید خیلی کمتر از درآمد آنان از کار در خیابان باشد؛ در صورت امکان باید حتی بیشتر به او پرداخت کرد تا در وی ایجاد انگیزه شود و به خیابان بازنگردد.

● کودک زیر پوشش بیمه قرار گیرد.

● ساعت کار کودکان هماهنگ با قانون کار تعیین شود و حتی کمتر از آن.

● میان ساعات کار برای کودک زمان استراحت در نظر گرفته شود.

● کودک در شرایطی کار کند که از قوانین حاکم بر آن آگاهی داشته باشد.

● کودک در کنار کار کردن، آموزشهای مورد نیاز را نیز ببیند. این آموزشها هم می تواند به گونه عملی به هنگام کار به کودک داده شود و هم در چارچوب مددکاری گروهی بیرون از ساعات کار.

همچنین، در زمینه توانمندسازی کودکان کارگر، ایجاد فرصتهایی تحصیلی در کنار کار، شرکت دادن این کودکان در طرحها و برنامه ها، توانمندسازی خانواده های آنان، رسیدگی به وضع کودکان تا ۱۸ سالگی و ایجاد امکانات تفریحی و ورزشی برای کودکان کارگر خیابانی پیشنهاد شده است.

برای این پژوهش، پیشگیری از کار کردن کودکان، پشتیبانی از آنان و توانمندسازی کودکان کارگر خیابانی، در گرو همکاری همه سازمانهای دولتی و غیردولتی

○ کودکان کارگر خیابانی، ویژگیهای گوناگون دارند. از این رو برای تدوین و اجرای سیاستهای اجتماعی مناسب، باید دقت شود که گذشته از خدمات عمومی که برای همه کودکان کارگر خیابانی لازم است، هر گروه از آنان به یک رشته خدمات ویژه نیز نیاز دارند که یکسره باید با شرایط و نیازهایشان همخوان باشد. بر پایه یافته های این پژوهش، تا هنگام تحقق یافتن برنامه های درازمدت با هدف پیشگیری از این پدیده، اقدامات کوتاه مدت و میان مدت برای پشتیبانی و توانمندسازی کودکان ضرورت دارد.

و سازمانهای گوناگون....

در پایان، باید به ضرورت وضع و اصلاح قوانین اشاره کرد. گفتنی است که در کشور قانونی درباره کار کودکان در خیابان وجود ندارد، ولی در زمینه حقوق کودک قوانینی داریم که باید به درستی اجرا شود. پیشنهاد می شود که قانونی ویژه کودکان کارگر خیابانی تدوین شود، به گونه ای که بتواند ضمانت اجرایی مؤثری برای اقدام اجتماعی فراهم آورد، یا دست کم قوانین موجود به سود کودکان اصلاح و پشتوانه های اجرایی لازم برای آنها در نظر گرفته شود.

در زمینه سیاستهای اجتماعی با هدف توانمندسازی کودکان کارگر خیابانی، به نظر می رسد با اجرای برنامه های مناسب در زمینه پیشگیری از کار کردن کودکان و پشتیبانی از کودکان کارگر خیابانی، در واقع نخستین گامها برای توانمندسازی کودک و خانواده اش برداشته شود.

در این زمینه می توان ۶ مقوله کلی را مطرح کرد:

مهارت آموزی به کودکان کارگر خیابانی و ایجاد فرصتهای شغلی مناسب برای ایشان. برای مهارت آموزی به کودکان کارگر خیابانی پیشنهاد شده است که از فرصتهای موجود در سازمان فنی و حرفه ای

- راه‌اندازی بانک اطلاعات از همه مراکز دولتی و خصوصی، داخلی و خارجی که در زمینه کودکان کارگر خیابانی فعالیت می‌کنند.

- حساس‌سازی شهروندان نسبت به کودکان کارگر خیابانی و معرفی درست این گروه به جامعه.

- راه‌اندازی شورای کودکان و برگزاری نشست‌هایی با حضور خود کودکان.

- فراهم آوردن فرصت‌های کاری مناسب برای کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله، مانند: ایجاد ارتباط با اصناف گوناگون و شناسایی فرصت‌های کاری مناسب، در نظر گرفتن مزایایی برای کارفرمایانی که کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله را به کار می‌گیرند، گزینش و معرفی کارگر نمونه از میان کارگران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله و...

منابع:

۱. بابایی، نعمت‌اله. «سیاست اجتماعی و سلامت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، تهران، ۱۳۸۲.
۲. کامکار، مهدیس. «سیاست اجتماعی چیست؟»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، تهران، ۱۳۸۲.
۳. جغتائی، محمد تقی. فریده، همتی. سیاست اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، تهران، ۱۳۸۰.
۴. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف). تحلیلی از موقعیت کودکان خیابانی تهران، دفتر یونیسف در ایران، تهران، ۱۳۷۷.
۵. آقا بیگلویی. کودکان کارگر خیابانی، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۸۰.
۶. گزارش خانه سبز. معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران، مهر ۱۳۷۸.
۷. وامقی، مروثه. «کار کودک، مفاهیم و رویکردها»، رفاه اجتماعی، شماره ۸، تهران، ۱۳۸۲.
۸. حسن، حسینی. «بررسی عوامل مؤثر در بروز و شیوع پدیده کودکان خیابانی و ارائه راه‌کارهای مداخله و پیشگیرانه»، کار مشترک مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲.

دست‌اندرکار در این زمینه، در تنظیم و اجرای برنامه‌های مورد نظر است تا از اقدامات سطحی و مشابه و موازی در سازمان‌های گوناگون جلوگیری شود. همکاران پژوهشی، بر با شدن کمیته‌ای دربرگیرنده نمایندگان همه سازمان‌های دولتی و غیردولتی مربوط به کودکان کارگر خیابانی را پیشنهاد کرده‌اند که در آن همه جوانب مسئله بررسی و در پرتو هم‌اندیشی و رایزنی، راهکارهای مناسب پیش‌بینی و برنامه‌ای جامع تدوین شود که برپایه آن، وظایف و مسئولیت‌های هر سازمان روشن باشد. پیشنهاد شده است که این کمیته زیر نظر یک سازمان مانند سازمان بهزیستی که هم‌اینک سرپرستی امور مربوط به کودکان کارگر خیابانی را دارد، باشد.

نتیجه‌گیری:

کودکان کارگر خیابانی، ویژگی‌های گوناگون دارند. از این رو برای تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی مناسب، باید دقت شود که گذشته از خدمات عمومی که برای همه کودکان کارگر خیابانی لازم است، هر گروه از آنان به یک رشته خدمات ویژه نیز نیاز دارند که یکسره باید با شرایط و نیازهایشان هم‌خوان باشد. برپایه یافته‌های این پژوهش، تا هنگام تحقق یافتن برنامه‌های درازمدت با هدف پیشگیری از این پدیده، اقدامات کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای پشتیبانی و توانمندسازی کودکان ضرورت دارد.

حل این مسأله نیازمند همکاری همه سازمان‌های دولتی و غیردولتی دست‌اندرکار در این زمینه است که در همان حال که هر یک به کار ویژه خود می‌پردازد، با سازمان‌های دیگر نیز همکاری کند.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

- ارزیابی وضع کودکان کارگر خیابانی.
- تلاش برای روشن ساختن شمار واقعی کودکان کارگر خیابانی.
- همکاری همه سازمان‌های دولتی و انجمن‌های غیردولتی فعال در زمینه کودکان کارگر خیابانی.
- پشتیبانی مالی دولت از نهادهای غیردولتی.